







پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

قدرت مدیرعامل، مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی: واکاوی نظریه‌های همسویی و سنگربندی

روح الله عرب  استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی گلستان، گرگان، ایران

محمد غلامرضا پور  * کارشناسی ارشد حسابداری، حسابرس مؤسسه بهداد حساب آریا، تهران، ایران.

نرجس امیرنیا  کارشناسی ارشد حسابرسی، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران

سیدپور یا کاظمی  کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

چکیده

بر اساس نظریه‌های همسویی و سنگربندی، قدرت مدیرعامل شرکت ممکن است از طریق افزایش کیفیت سود و کاهش ریسک حسابرسی منجر به کاهش حق‌الزحمه حسابرسی شود، یا از طریق مدیریت سود فرصت طلبانه و گزارشگری مالی متقلبانه منجر به افزایش مشکلات نمایندگی و ریسک حسابرسی و در نهایت افزایش حق‌الزحمه حسابرسی گردد. از این رو هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه قدرت مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی و مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی مالکیت خانوادگی بر این رابطه با توجه به نظریه‌های همسویی و سنگربندی است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از اطلاعات مالی ۸۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری پژوهش نشان می‌دهد که بین قدرت مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد، مالکیت خانوادگی نیز رابطه بین قدرت مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی را تشدید می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: صلاحیت‌های اخلاقی، شیوه آموزش تلفیقی، اعتبارسنجی، طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل

مقدمه

حق الزحمه حسابرسی هزینه اقتصادی است که به سازمان‌ها تحمیل می‌شود و همین عامل باعث ایجاد تحقیقات زیادی در جهت بررسی عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی شده است (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۵). پژوهش سیمونیک^۱ (۱۹۸۰) از اولین مطالعاتی بود که به بررسی عوامل تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی پرداخت و حق الزحمه حسابرسی تبدیل به یک موضوع کلی برای محققان شد. امروزه، مفهوم ریسک حسابرسی با استانداردهای حسابرسی بین المللی معرفی شده است و استانداردهای جدید حسابرسی در سال (۲۰۰۶) منتشر شده اند. در مورد شکست کنترل داخلی مانند انرون و وردلکام، حسابرسی مدرن ریسک‌گرا به تدریج به روند کل صنعت حسابرسی تبدیل شده است که نیازمند حسابرسی است که تا ارزیابی معقولی از ریسک شرکت انجام دهند. همچنین، تلاش حسابرسی که جمع‌آوری و اعتبارسنجی اطلاعات مالی است میزان حق الزحمه حسابرسان را تعیین می‌کند و منجر به صدور اظهارنظر حسابرسی می‌گردد (Ho & Kang, 2013). در واقع، ریسک حسابرسی و تلاش حسابرس به عنوان دو عامل اصلی تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی است.

در رابطه اثر قدرت مدیرعامل بر حق الزحمه حسابرسی دو نظریه متفاوت همسویی و سنگربندی وجود دارد. مطابق با نظریه همسویی قدرت مدیرعامل شرکت می‌تواند به دو طریق باعث کاهش حق الزحمه حسابرسی شود. اولاً، مدیران عامل دارای مالکیت سهام بالاتر احتمال کمتری دارند که در معرض ریسک شدید قرار بگیرند یا کیفیت سود کمتری را گزارش دهند. بنابراین، میزان حق الزحمه حسابرسی به دلیل پایین بودن ریسک حسابرسی و تلاش حسابرس کاهش می‌یابد (Galema, et al., 2012). ثانیاً، با توجه به خدمات گسترده مدیران عامل، حسابرسان می‌توانند در طی مصاحبه‌های حسابرسی، درک دقیقی از عملکرد شرکت، ریسک و ساختار گزارشگری مالی شرکت کسب کنند، به همین دلیل، زمان کمتری برای تکمیل کار حسابرسی به علت ریسک حسابرسی کمتر لازم است (Chen et al., 2015). در مقابل، بر طبق نظریه سنگربندی قدرت مدیرعامل با

1 Simunic, D.A.

مدیریت سود فرصت طلبانه و گزارشگری مالی متقلبانه مرتبط است و به همین خاطر مشکلات نمایندگی و ریسک حسابداری و تلاش حسابرسان در شرکت بیشتر می‌شود و به طبع بر میزان حق الزحمه حسابداری افزوده می‌شود (Cornett et al., 2008; Burns & Kedia, 2006). از این رو انتظار می‌رود قدرت مدیرعامل بر میزان حق الزحمه حسابداری اثرگذار باشد.

از سوی دیگر، نظر به اینکه وجود مالکیت خانوادگی در شرکت‌ها ممکن است طبق نظریه همسویی عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران کاهش یابد و موجب ریسک حسابداری و حق الزحمه حسابداری پایین‌تری شود یا بر مبنای نظریه سنگربندی این امکان وجود دارد جریان اطلاعات حسابداری و کنترل بر شرکت کاهش یابد در این صورت ریسک‌های سوء استفاده مالی و گزارشگری مالی افزایش می‌یابد، حسابرسان باید اقدامات گسترده‌ای در جهت رفع این نوع ریسک‌ها انجام دهند که در نهایت حق الزحمه حسابداری افزایش یابد (Tee, 2019)، بنابراین، انتظار می‌رود رابطه قدرت مدیرعامل و حق الزحمه حسابداری تحت تأثیر مالکیت خانوادگی قرار گرفته و تعدیل (تضعیف یا تقویت) شود. با این حال با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در عمده مطالعات داخلی صورت گرفته این موضوع نادیده انگاشته شده و یک فضای خالی در ادبیات مالی، حسابداری و حسابداری برای تحقیق در این باره وجود دارد که این خود، انگیزه‌ای جهت انجام پژوهش حاضر است. از این رو، پژوهش حاضر در صدد است که رابطه قدرت مدیرعامل با حق الزحمه حسابداری و همچنین اثر تعدیل‌کنندگی مالکیت خانوادگی بر این رابطه با توجه به نظریه‌های همسویی و سنگربندی را بررسی کند.

مطالعه حاضر به چند روش مشخص، کمک کننده مقالات مرتبط با قدرت مدیرعامل، مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابداری است. اولاً، پژوهش‌های حساس‌یگانه و داداشی (۱۳۸۸)، ملکیان و همکاران (۱۳۹۱) و دهقانی و کسبانی (۱۳۹۸) به بررسی رابطه بعضی از ویژگی‌های مدیرعامل نظیر دوگانگی وظیفه مدیرعامل و استقلال هیئت‌مدیره تحت عنوان حاکمیت شرکتی با حق الزحمه حسابرس پرداختند، اما تا کنون پژوهشی به صورت تخصصی به بررسی رابطه قدرت مدیرعامل و حق الزحمه حسابداری نپرداخته و پژوهش

حاضر اولین پژوهشی داخلی است که این رابطه را مورد بررسی قرار می‌دهد. دوم اینکه، مقاله حاضر بسط دهنده جریان نوظهور مقالات (Tang et al., 2011; Han et al., 2016; Sheikh, 2018) است که یک شاخص قدرت مدیرعامل که شامل منابع مختلف قدرت، برگرفته از مطالعه فینکلشتاین^۱ (۱۹۹۲) است را استفاده می‌کنند. سوم اینکه، مطالعه حاضر بسط دهنده آن دسته از مقالات مربوط به قدرت مدیرعامل و مالکیت خانوادگی است که از نظریه‌های همسویی و سنگربندی استفاده شده است. در نهایت، مطالعه حاضر از طریق تجزیه و تحلیل کامل تأثیر چهار بعد وسیع از قدرت مدیرعامل بر حق الزحمه حسابرسی و نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی با توجه به نظریه‌های همسویی و سنگربندی، در گسترش مقالات موجود در زمینه قدرت مدیرعامل، مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی سهم دارد که این موضوع به عنوان یک دستاورد علمی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری قرار دهد.

پیشینه پژوهش

قدرت مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی

قدرت مدیرعامل می‌تواند به طور غیرمستقیم بر ارزیابی حسابرس از ریسک حسابرسی، میزان حق الزحمه حسابرسی تأثیر بگذارد و در ادبیات مالی، حسابداری و حسابداری دو نظریه متضاد (نظریه‌های همسویی و سنگربندی) در رابطه با ارتباط قدرت مدیرعامل و حق الزحمه وجود دارد.

از یک سو نظریه همسویی بیان می‌دارد که قدرت مدیرعامل شرکت به دو طریق باعث کاهش حق الزحمه حسابرسی می‌شود. اولاً، مدل قدرت مالکیت فینکلشتاین (۱۹۹۲) استدلال می‌کند که مدیران عامل که دارای سهام بیشتری هستند، پایداری و ثبات در تصمیم‌گیری را تأمین می‌کنند. بنابراین، مدیران عامل برای سهامداران با ارزش هستند. زیرا این امر منافع مدیران عامل را با سایر سهامداران همسو می‌کند (Jensen & Meckling, 1976).

1 Finkelstein, S.

1976). گاملا و همکاران^۱ (۲۰۱۲) نشان دادند که مدیران عامل با سهام بالاتر احتمال کمتری دارند که در معرض ریسک شدید قرار بگیرند یا کیفیت سود پایین تری را گزارش دهند. بنابراین، ریسک حسابداری در شرکت‌هایی با عملکرد شرکت بالاتر، حاکمیت شرکتی برتر و کیفیت سود بالاتر، کم‌تر است. ثانیاً، از طریق دانش و دوره تصدی مدیران عامل حق‌الزحمه حسابداری کاهش می‌یابد، بدین صورت که مدیران عامل کوتاه مدت احتمالاً می‌توانند در طی دوره‌ای از عدم اطمینان و ریسک در کسب و کار در هدایت شرکت موفق شوند (Wang et al., 2016). بعلاوه، شرکت‌هایی که دارای مدیران عامل با تصدی بلندمدت‌تری هستند، احتمال بیشتری دارند که تغییرپذیری کمتری در سود گزارش شده، ریسک حسابداری و مدیریت سود را تجربه کنند. علاوه بر این، با توجه به خدمات گسترده مدیران عامل، حساب‌رسان می‌توانند در طی مصاحبه‌های حسابداری، درک دقیقی از عملکرد شرکت، ریسک و ساختار گزارشگری مالی شرکت کسب کنند، به همین دلیل، زمان کمتری برای تکمیل کار حسابداری به علت ریسک حسابداری پایین‌تر لازم است (Chen et al., 2015). همچنین، مدیران عامل قدرتمند، از طریق رفتار فرصت طلبانه، مانند مدیریت سود یا مخاطرات بیش از حد که می‌تواند به اعتبار و ماندگاری شرکت آسیب برساند، خودداری می‌کنند (Lubatkin et al., 2005; Wang, 2006). برخی تحقیقات نشان می‌دهند که داشتن مدیران عامل قدرتمندتر ممکن است تاثیری مثبت بر برونداد شرکت تحت شرایط خاص داشته باشند. لارکر و تیان^۲ (۲۰۱۲) معتقدند که قدرت مدیرعامل یک قابلیت رهبری مهم محسوب می‌شود که با فواید بسیاری برای سازمان همراه خواهد بود. کلتنر و همکاران^۳ (۲۰۰۳) نیز از تمایل مدیران عامل قدرتمند به رسیدن به اهداف شرکت بحث کردند، که این امر می‌تواند باعث حصول سود برای شرکت‌ها شود. اندرسون و ریب^۴ (۲۰۰۳) دریافتند که مدیران عامل، حاکمیت شرکتی قوی را به منظور بهبود جریان اطلاعات مالی حساب‌رسان و سهامداران به اجرا در می‌آورند.

1 Galema et al.

2 Larcker, D. F., & Tayan, B.

3 Keltner et al.

4 Anderson, R. C., & Reeb, D. M

در تمامی جنبه‌ها، قدرت مدیرعامل به احتمال زیاد با ریسک پایین‌تر در ارتباط است. از همه مهم‌تر، حسابرسان می‌توانند درک عمیقی از عملیات کسب و کار شرکت‌ها و ریسک‌های ناشی از دانش و تجربه داشته باشند (Yang, 2010). این روند جمع‌آوری اطلاعات، دقت در ارزیابی ریسک حسابرسی و صدور اظهارنظر حسابرسی را تسهیل می‌کند. در این شرایط، حسابرس تلاش کمتری برای تکمیل مراحل حسابرسی می‌کند و در واقع، حق‌الزحمه حسابرسی کمتری نیز دریافت می‌کند. بدین ترتیب، تی^۱ (۲۰۱۹) شواهدی مبنی بر یک رابطه منفی بین قدرت مدیرعامل با حق‌الزحمه حسابرسی ارائه دادند. بنابراین، بر اساس نظریه همسویی انتظار می‌رود افزایش در قدرت مدیرعامل موجب کاهش در حق‌الزحمه حسابرسی گردد.

از سوی دیگر، بر اساس نظریه سنگربندی انتظار می‌رود قدرت مدیرعامل منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی گردد. نظریه قدرت مدیریتی بیچوک و فراید^۲ (۲۰۰۳) بیان می‌کند که مدیران عامل قدرتمند با سنگربندی حاکمیت شرکتی و کیفیت سود را کاهش می‌دهد. مطالعه ملکیان و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که دوگانگی وظیفه مدیرعامل منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌گردد. ضمن اینکه دهقانی و کسبانی (۱۳۹۸) نیز به این نتیجه رسیدند که استقلال هیئت‌مدیره منجر به افزایش تلاش حسابرس و حق‌الزحمه حسابرسی می‌گردد. جنسن و مک‌کلینگ^۳ (۱۹۷۶) ثابت کردند که مدیران عامل قدرت قابل توجهی بر منابع شرکت خود دارند، زیرا سهامداران از پراکندگی وسیعی برخوردار هستند، و لذا آن‌ها معتقد هستند که مدیران عامل اغلب به دنبال منافع شخصی خود به هزینه سهامداران هستند. انگیزه یک مدیرعامل برای کارهای منفعت طلبانه (رفتارهای فرصت طلبانه) تا زمانی که کارهایش بدون نظارت باقی بماند، بیشتر از پیش خواهد شد (Dunn, 2004). از این رو، مدیران عامل زمانی که قدرتمندتر می‌شوند، تمایل بیشتری برای فرصت‌طلبی از خود به نمایش می‌گذارند. مطابق با نظریه مالکیت فیلکشتاین (۱۹۹۲) هرچه سهام مدیران عامل بالاتر باشد می‌تواند از هیئت‌مدیره و سایر سهامداران پیشی

1 Tee, C. M.

2 Bebchuk, L. A., & Fried, J. M.

3 Jensen, M., & Meckling, W.

بگیرند (Bebchuk et al., 2011). در این زمینه، مطالعات نشان می‌دهد که تصدی مدیرعامل با مدیریت سود فرصت طلبانه (Cornett et al., 2008) و گزارشگری مالی متقلبانه همراه است (Burns, & Kedia, 2006; Yu & Yu, 2011). به عنوان مثال، در مورد انرون، اعضای هیئت‌مدیره با مدیرعامل که اتفاقاً بنیان‌گذار آن نیز بوده، تباری کرده بودند. از سرمایه شرکت‌ها کاسته شده و گزارش مالی متقلبانه را به سهامداران ارائه می‌دهند (Yu & Yu, 2011). مطالعات قبلی نشان می‌دهند که مدیران عامل قدرتمند باید در شرکت‌هایی که عملکرد شرکت و کیفیت سود پایین‌تری دارند، برای جبران خسارت بیش از حد تلاش کنند (Gul et al., 2011; Minichilli et al., 2010) و منجر به کاهش به موقع بودن اطلاعات حسابداری می‌شوند (پورحیدری و فروغی، ۱۳۹۸). کو و کیم^۱ (۲۰۱۹) دریافتند مدیران عامل قدرتمند میزان ابهامات شرکت را افزایش می‌دهند و منجر به ایجاد محیط اطلاعاتی ضعیف‌تر می‌شوند تا در صورت وجود مشکلات نمایندگی، عملکرد ضعیف شرکت را پنهان کنند. باکر و همکاران^۲ (۲۰۱۹) نیز نشان دادند قدرت مدیرعامل از عوامل تاثیرگذار بر افزایش مدیریت سود واقعی و تعهدی است. در واقع مطالب فوق نشان می‌دهد، قدرت مدیرعامل منجر به افزایش ریسک حسابرسی و ریسک گزارشگری مالی گردد. بنابراین، حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌هایی با مدیران عامل قدرتمند بیشتر خواهد شد (Chen et al., 2015). بنابراین، بر اساس نظریه سنگربندی، انتظار بر این است افزایش در قدرت مدیرعامل موجب افزایش در حق‌الزحمه حسابرسی گردد.

مالکیت خانوادگی، قدرت مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی

ساختار مالکیت شرکت ممکن است به تغییر رفتار شرکت‌ها در ارائه گزارش‌های مالی منجر شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از اجزای ساختار مالکیت، مالکیت خانوادگی بوده که در دنیای اقتصاد دارای اهمیت روزافزونی است. درخصوص چگونگی

1 Koo, K., & Kim, J.

2 Baker et al.

تأثیر مالکیت خانوادگی بر رابطه‌ی بین قدرت مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی، دو نظریه‌ی متضاد (نظریه‌های همسویی و سنگربندی) در ادبیات حسابداری و حسابرسی مطرح شده است.

از یک سو، بر اساس نظریه همسویی انتظار می‌رود مالکیت خانوادگی منجر به کاهش حق‌الزحمه حسابرسی گردد، شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران را از نزدیک کنترل و کاهش می‌دهند که این امر می‌تواند هنگامی که آن‌ها مناصب ارشد اجرایی هیئت‌مدیره را دارند، از طریق سهام محقق شود (Anderson & Reeb, 2003; Prencipe et al., 2011). علاوه بر این، یانگ^۱ (۲۰۱۰) و سریندهی و همکاران^۲ (۲۰۱۴) دریافتند که مالکیت خانوادگی با کیفیت سود بالاتر و حاکمیت شرکتی قوی‌تر همراه است. همچنین، تمرکز بر بقای بلندمدت و شهرت شرکت‌های خانوادگی و همچنین روابط شخصی با اعتباردهندگان و سایر سهامداران، ممکن است هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد؛ زیرا حضور پایدار و بلندمدت اعضای خانواده در شرکت و اراده آنها برای باقی نگه داشتن نام خانواده، ممکن است موجب شود که شرکت‌های خانوادگی رابطه خوب و بلندمدتی با سهامداران غیرخانوادگی و اعتباردهندگان داشته باشند (Anderson & Reeb, 2003). سیمونیک (۱۹۸۰) اظهار داشت که ریسک حسابرسی بر دامنه کار حسابرسی و به نوبه خود میزان حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر می‌گذارد. برخی از مطالعات پیشین نشان دادند ریسک حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی کمتر است. به طور مثال، وانگ^۳ (۲۰۰۶) نشان داد که احتمال بروز رفتار فرصت‌طلبانه در اعضای خانواده و تأثیرگذاری آنها در فرایند گزارشگری مالی، کمتر است. همچنین، خان و سوبرامانیام^۴ (۲۰۱۲) دریافتند که در شرکت‌های خانوادگی، به دلیل نبود انگیزه‌های قوی برای دستکاری سود، ریسک حسابرسی پایین است. محمدرضائی و همکاران (۱۳۹۷) نیز به این نتیجه رسیدند که

1 Yang, L. M.

2 Srinidhi et al.

3 Wang, D.

4 Khan, A., & Subramaniam, N.

شرکت‌های خانوادگی هزینه‌های نمایندگی کمتری دارند، بنابراین به ارزیابی ریسک و تلاش‌های حسابرسی کمتری نیاز داشته و در نتیجه حق‌الزحمه پایین‌تری دارند. بنابراین، بر طبق این نظریه همسویی، انتظار می‌رود مالکیت خانوادگی رابطه منفی بین قدرت مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی را تقویت نماید و در صورت وجود رابطه مثبت بین قدرت مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی، مالکیت خانوادگی، این رابطه را تضعیف می‌کند (Tee, 2019).

از سوی دیگر، بر مبنای نظریه سنگربندی انتظار می‌رود مالکیت خانوادگی منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی گردد. مالکیت خانوادگی منجر به بروز مسائل نمایندگی بین سهامداران عمده و سهامداران جزء می‌گردد. چراکه در این گونه شرکت‌ها، سهامداران عمده و خانوادگی سعی در تامین منافع شخصی خود با هزینه سهامداران جزء دارند (El Ghoul et al., 2016). همسو با این دیدگاه، پژوهش‌های متعددی به موضوع انحراف منابع و کسب منافع شخصی از سهامداران جزء در شرکت‌های خانوادگی پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، برتراند و همکاران^۱ (۲۰۰۲) و بای و همکاران^۲ (۲۰۰۲) به شواهدی مبنی بر رفتار فرصت طلبانه و انحراف منابع در شرکت‌های خانوادگی هندی و شرکت‌های خانوادگی کره‌ای دست یافتند. بطور مشابه، گایا و همکاران^۳ (۲۰۱۷) دریافتند که اجتناب مالیاتی مکانیزم مناسبی در جهت تامین منافع شخصی مالکان خانوادگی به شمار می‌رود و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های خانوادگی بیشتر از سایر شرکت‌هاست. در واقع، مالکیت خانوادگی ریسک حسابرسی را از طریق گزارشگری مالی متقلبانه یا سوءاستفاده مالی بالا می‌برد و حسابرسان را متحمل تلاش و حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری می‌کند، زیرا باید اقدامات گسترده‌ای را انجام دهند تا صدمات ناشی از چنین ریسک‌هایی را کاهش دهند. لذا، برپایه این نظریه سنگربندی، انتظار می‌رود مالکیت خانوادگی رابطه منفی بین قدرت مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی را تضعیف نماید و در صورت وجود رابطه مثبت بین

1 Bertrand et al.

2 Bae et al.

3 Gaaya et al.

قدرت مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی، مالکیت خانوادگی، این رابطه را تقویت می کنند (Tee, 2019).

روش

انتخاب نمونه و منابع گردآوری داده

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ است. نمونه آماری پژوهش شامل شرکت هایی است که حائز شرایط ذیل باشند:

۱. شرکت هایی که تاریخ پذیرش آنها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۹۱ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۸ نیز در فهرست شرکت های بوری باشند؛
 ۲. به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند باشد؛
 ۳. طی دوره مورد نظر، تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشد؛
 ۴. جزء شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی نباشد (شرکت های سرمایه گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت ها در جامعه آماری منظور نشده اند).
 ۵. حسابرسی شرکت توسط سازمان حسابرسی انجام نشده باشد.
 ۶. اطلاعات تفصیلی مرتبط با حق الزحمه حسابرسی در یادداشت های توضیحی صورت های مالی افشاء شده باشد.
- پس از اعمال محدودیت های یادشده، تعداد ۵۶۰ مشاهده به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. داده های پژوهش حاضر با مراجعه به صورت های مالی و یادداشت های توضیحی همراه صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار موجود در سامانه کدال، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و نرم افزار ره آورد نوین استخراج شد. جهت تجزیه و تحلیل نهایی داده ها نیز از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews استفاده شده است.

مدل و متغیرهای تحقیق

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیون چند متغیره بکار گرفته شده توسط محمدرضایی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) استفاده شده است:

$$LNAF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CEOPOWER_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 LOSS_{i,t} + \beta_5 RECINV_{i,t} + \beta_6 AGE_{i,t} + \beta_7 AUDOPN_{i,t} + \beta_8 AUDCHG_{i,t} + \beta_9 AFR_{i,t} + (\beta_{10}) CONOWN_{i,t} + \beta_{11} SUBS_{i,t} + \sum IND + \sum YEAR + \varepsilon_{i,t}$$

$$LNAF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CEOPOWER_{i,t} + \beta_2 FAMILY_{i,t} + \beta_3 CEOPOWER^* + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 LOSS_{i,t} + \beta_7 RECINV_{i,t} + \beta_8 FAMILY_{i,t} + \beta_9 AGE_{i,t} + \beta_{10} AUDOPN_{i,t} + \beta_{11} AUDCHG_{i,t} + \beta_{12} AFR_{i,t} + (\beta_{13}) CONOWN_{i,t} + \beta_{14} SUBS_{i,t} + \sum IND + \sum YEAR + \varepsilon_{i,t}$$

که در مدل‌های فوق:

متغیر وابسته

حق الزحمه حسابرسی (LNAF): برای سنجش آن مطابق با مطالعه‌های پورحیدری و گل محمدی شورکی (۱۳۹۴)، ابراهیمی کردلر (۱۳۹۵) و عرب و همکاران (۱۳۹۹) از لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی استفاده شده است.

متغیر مستقل

قدرت مدیرعامل (CEOPOWER): به طور کلی، مدیران عامل به عنوان قدرتمند تلقی می‌شوند. در صورتی که بتوانند تصمیمات استراتژیک را علی‌رغم مخالفت بالقوه از سوی دیگر مدیران اجرایی و اعضای هیئت‌مدیره، تحت تاثیر قرار دهند. برای سنجش قدرت مدیرعامل از شاخص ترکیبی بر مبنای ۴ شاخص استفاده می‌کنیم. از آنجا که بکارگیری هر یک از معیارهای به‌طور مجزا، ممکن است باعث بروز ابهام و حصول نتایج غیرقابل اتکا در اندازه‌گیری قدرت مدیرعامل شود، لذا معیارهای دوگانگی وظیفه مدیرعامل، استقلال هیئت‌مدیره، تصدی مدیرعامل و مالکیت مدیرعامل با توجه به تعاریف به مقادیر صفر و یک تبدیل شده و در یک شاخص ترکیبی با یکدیگر ترکیب می‌شوند و حاصل جمع

مقادیر ۴ شاخص برای هر شرکت در هر سال، بیانگر شاخص قدرت مدیرعامل آن شرکت خواهد بود (رضائی پیتهنوئی و غلامرضا پور، ۱۴۰۰).

دوگانگی وظیفه مدیرعامل: مطالعات قبلی از دوگانگی وظیفه مدیرعامل به عنوان معیاری برای قدرت استفاده کردند (Adams et al., 2005; Tang et al., 2011; Morse et al., 2011). دوگانگی وظیفه مدیرعامل قدرت نظارت هیئت مدیره را کاهش داده و قدرت مدیرعامل را افزایش می دهد (Hayward & Hambrick, 1997). این شاخص برابر با عدد یک است در صورتی که در سال مورد نظر مدیرعامل همزمان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره باشد و در غیر این صورت برابر صفر است (رضائی پیتهنوئی و غلامرضا پور، ۱۴۰۰).

عدم استقلال هیئت مدیره: اکثر مطالعات اولیه نظیر فاما و جنسن (۱۹۸۳)، باگات و بلک (۲۰۰۲) و رایان و ویگینز (۲۰۰۴) از ساختار هیئت مدیره برای اندازه گیری قدرت مدیرعامل استفاده کردند. مدیران مستقل در نظارت بر مدیرعامل موثر هستند. درصد بالاتر مدیران خارجی (مستقل) در هیئت مدیره توانایی مدیران عامل برای تصمیم گیری یک جانبه را محدود می کند. این شاخص برابر با عدد یک است اگر نسبت مدیران مستقل در هیئت مدیره کم تر از مقدار میانه شرکت های نمونه باشد و در غیر این صورت برابر با صفر است (رضائی پیتهنوئی و غلامرضا پور، ۱۴۰۰).

تصدی مدیرعامل: مدیران عامل که برای مدت طولانی بر سر کار خود می مانند تمایل دارند با ایجاد روابط تاثیرگذار، توانایی نظارتی اعضای هیئت مدیره را تضعیف کنند (Hermalin & Weisback, 2003; Goyal & Park, 2002; Ryan & Wiggins, 2004; Graham et al, 2017). همچنین، تصدی بیشتر می تواند تاریخچه عملکرد موفق و ایجاد ارزش را نشان دهد (Simsek, 2007). شاخص تصدی مدیرعامل برابر با عدد یک است اگر تصدی مدیرعامل بیشتر از میانه دوره تصدی شرکت های نمونه باشد و در غیر این صورت برابر با صفر است (رضائی پیتهنوئی و غلامرضا پور، ۱۴۰۰؛ نکوئی زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

مالکیت مدیرعامل: بر اساس مدل قدرت مالکیت فینکلشتاین (۱۹۹۲) مدیران عامل دارای سهام بیشتر، پایداری و ثبات را در تصمیم‌گیری تأمین می‌کنند. همچنین، هرچه سهام مدیران عامل بالاتر باشد می‌توانند از هیئت‌مدیره و سایر سهامداران پیشی بگیرند (Bebchuk et al, 2011). شاخص مالکیت مدیرعامل مطابق با پژوهش توانگر حمزه کلایی و اسکافی اصل (۱۳۹۷) از طریق درصد مالکیت سهام مدیرعامل محاسبه می‌شود. این شاخص برابر با عدد یک است اگر مالکیت مدیرعامل (شخص حقیقی یا حقوقی) بیشتر از میانه مالکیت مدیران عامل شرکت‌های نمونه باشد و در غیر اینصورت برابر با صفر است (رضائی پیتهنوئی و غلامرضاپور، ۱۴۰۰؛ نکوئی زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

متغیر تعدیلگر

مالکیت خانوادگی (FAMILY): به پیروی از پژوهش رضائی پیتهنوئی و غلامرضاپور (۱۳۹۹)، از یکی از دو شرط زیر برای تعریف شرکت‌های خانوادگی در ایران استفاده شده است:

الف) سهامدار حقیقی مالک حداقل ۲۰ درصد سهام عادی شرکت باشد. و یا؛
 ب) یکی از اعضای هیئت‌مدیره، خود، به تنهایی مالک حداقل ۵ درصد سهام عادی و یا مجموع سهام عضو حقیقی هیئت‌مدیره و اعضای خانواده و فامیل وی، حداقل ۵ درصد مجموع سهام عادی شرکت باشد.
 از این رو در پژوهش حاضر، اگر شرکتی یکی از ویژگی‌های فوق را داشته باشد، خانوادگی تلقی شده و عدد یک را می‌پذیرد و در غیر این صورت عدد صفر به آن اختصاص داده می‌شود.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): از لگاریتم طبیعی دارایی‌های پایان دوره شرکت استفاده شده است.

اهرم مالی (LEV): نسبت کل بدهی به کل دارایی‌ها به عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری اهرم مالی به کار می‌رود.

زیان شرکت (LOSS): اگر شرکت زیان داشته باشد برابر عدد یک و در غیر این صورت برابر عدد صفر است.

حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا (RECINV): شرکت از تقسیم مجموع موجودی کالا و حساب‌های دریافتنی بر دارایی‌های شرکت محاسبه شده است.

سن شرکت (AGE): بر اساس فاصله زمانی بین سال تاسیس تا پایان دوره زمانی پژوهش، اندازه‌گیری می‌شود.

اظهاری نظر حسابرس (AUDOPN): چنانچه نوع اظهار نظر مقبول باشد به آن عدد یک اختصاص می‌یابد و در غیر این صورت صفر می‌شود.

تغییر حسابرس (AUDCHG): چنانچه در سال مورد نظر حسابرس تغییر کند به آن عدد یک اختصاص می‌یابد و در غیر این صورت صفر می‌شود.

رتبه موسسه حسابرسی (AFR): اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی یا یکی از موسسات درجه الف مورد رسیدگی قرار گرفته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد.

تمرکز مالکیت (CONOWN): برابر با درصد مالکیت سهام در اختیار بزرگترین سهامدار شرکت است.

شرکت‌ها تابعه (SUBS): اگر شرکت دارای شرکت‌های تابعه و فرعی باشد برابر با عدد یک و در غیر این صورت برابر با صفر است.

اثرات صنعت (IND): بیانگر نوع صنعت که به صورت یک متغیر مجازی سنجیده شده است.

اثرات سال (YEAR): یک متغیر مجازی است و برای در نظر گرفتن اثرات تصادفی سال وارد الگوی رگرسیونی خواهد شد.

یافته‌ها

آمار توصیفی

جدول (۲)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است را برای نمونه‌ای متشکل از ۵۶۰ مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۱ نشان می‌دهد. نتایج پنل اول و قسمت کمی جدول نشان می‌دهد، قدرت مدیرعامل که از شاخص ترکیبی محاسبه می‌شود، دارای مقدار میانگین ۱/۳۰۱ است. همچنین میانگین اهرم مالی نشان می‌دهد حدود ۵۶ درصد دارایی‌های شرکت‌های نمونه از طریق بدهی، تامین مالی شده است. با توجه به میانگین تمرکز مالکیت حدود ۵۱ درصد شرکت‌های نمونه در اختیار بزرگترین سهامدار است. در پنل دوم و قسمت کیفی جدول درصد مالکیت خانوادگی نشان می‌دهد ۱۴ درصد شرکت‌های نمونه دارای مالکیت خانوادگی هستند، به طور میانگین ۱۳ درصد شرکت‌های نمونه از لحاظ مالی دچار درماندگی مالی و زیان‌ده هستند.

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

پنل اول: آمار توصیفی متغیرهای کمی						
متغیر	نماد	کمترین	بیشترین	میانگین	میانه	انحراف معیار
حق‌الزحمه حسابرسی	LNAF	۴/۴۳۴	۹/۵۴۹	۶/۸۵۱	۶/۸۳۶	۰/۷۸۵
قدرت مدیرعامل	CEOPOWER	۰	۴	۱/۳۰۱	۱	۰/۸۹۵
اندازه شرکت	SIZE	۱۰/۵۳۲	۱۶/۹۲۵	۱۳/۸۲۳	۱۳/۸۸۹	۱/۰۹۲
اهرم مالی	LEV	۰/۰۴۶	۱/۸۰۴	۰/۵۶۳	۰/۵۶۴	۰/۲۳۴
حساب‌های دریافتی و موجودی کالا	RECINV	۰/۰۱۲	۰/۹۱۱	۰/۴۸۷	۰/۴۸۷	۰/۲۰۵
سن شرکت	AGE	۱۲	۷۰	۳۹/۰۸۲	۳۸	۱۴/۱۶۳
تمرکز مالکیت	CONOWN	۰/۰۲۱	۰/۹۳۷	۰/۵۰۸	۰/۵۱۰	۰/۱۹۶
پنل دوم: آمار توصیفی متغیرهای کیفی						
متغیر	نماد	درصد فراوانی				
درصد مالکیت خانوادگی	FAMILY	٪ ۱۴				
زیان شرکت	LOSS	٪ ۱۳				
اظهار نظر حسابررس	AUDOPN	٪ ۵۷				
تغییر حسابررس	AUDCHG	٪ ۳۱				
رتبه موسسه حسابرسی	AFR	٪ ۸۹				

آمار استنباطی

جدول (۳) نتایج مدل رگرسیون اول و دوم پژوهش با رویکرد کنترل اثرات سال و صنعت را نشان می‌دهد. نتایج فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد ضریب حاصل از رگرسیون متغیر قدرت مدیرعامل (CEOPOWER) منفی و در سطح خطای ۱ درصد معنادار است، لذا فرضیه اول پژوهش مطابق نظریه همسویی تایید می‌شود. نتایج فرضیه دوم نشان می‌دهد ضریب حاصل از رگرسیون متغیر اثر تعاملی قدرت مدیرعامل و مالکیت خانوادگی (CEOPOWER*FAMILY) در سطح خطای ۱ درصد معنادار است، لذا فرضیه دوم پژوهش مطابق با نظریه همسویی تایید می‌شود.

جدول ۳- نتایج آماری آزمون مدل‌های پژوهش

متغیر	مدل اول		مدل دوم		آماره t
	ضریب	انحراف معیار	ضریب	انحراف معیار	
C	۰/۳۸۸	۰/۰۳۹	۹/۸۰۰	۰/۰۸۴	۴/۹۹۳
CEOPOWER	-۰/۱۴۵	۰/۰۱۵	-۹/۶۵۶	۰/۰۴۰	-۴/۵۴۹
FAMILY	---	---	---	۰/۰۶۱	-۳/۳۷۴
CEOPOWER*FAMILY	---	---	---	۰/۰۳۷	-۳/۹۲۰
SIZE	۰/۱۹۰	۰/۰۵۱	۳/۷۱۵	۰/۲۱۶	۵/۴۵۰
LEV	۰/۱۶۱	۰/۰۵۲	۳/۰۸۸	۰/۱۲۱	۲/۱۴۹
LOSS	۰/۱۱۰	۰/۰۶۶	۱/۶۷۴	۰/۱۳۱	۱/۸۴۳
RECINV	۰/۱۵۶	۰/۰۱۷	۸/۹۸۲	۰/۱۵۲	۲/۸۲۶
AGE	۰/۰۷۵	۰/۲۲۲	۰/۳۴۰	۰/۱۷۲	۰/۵۵۲
AUDOPN	۰/۱۱۱	۰/۰۴۳	۲/۵۸۵	۰/۱۵۶	۱/۹۸۱
AUDCHG	-۰/۲۰۶	۰/۱۰۱	-۲/۰۴۲	۰/۱۸۴	-۲/۳۲۴
AFR	۰/۱۹۷	۰/۰۳۰	۶/۴۷۴	۰/۲۰۹	۱/۹۸۴
CONOWN	-۰/۱۵۴	۰/۰۷۱	-۲/۱۴۸	۰/۱۹۹	-۳/۶۹۲
SUBS	۰/۱۲۸	۰/۲۶۶	۰/۴۸۲	۰/۱۶۰	۰/۵۹۳
IND	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد	کنترل شد

YEAR	کنترل شد	کنترل شد
بیشترین VIF	۱/۹۸۲	بیشترین VIF ۱/۹۹۴
آماره F فیشر	۶۴/۲۴۰	آماره F فیشر ۷۸/۳۷۷
معناداری آماره F فیشر	.۰/۰۰۰	معناداری آماره F فیشر ۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۶۱	ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۵۴۲
آماره دوربین واتسون	۱/۹۱۴	آماره دوربین واتسون ۱/۹۴۲
تعداد مشاهدات	۵۶۰	تعداد مشاهدات ۵۶۰

بحث و نتیجه گیری

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش بیانگر آن است که قدرت مدیرعامل موجب کاهش حق الزحمه حسابرسی می‌گردد. این یافته مطابق با نظریه همسویی است که بیان می‌کند که مدیران عامل دارای سهام بیشتری، پایداری و ثبات در تصمیم‌گیری را تأمین کرده و کیفیت سود بالاتری را گزارش می‌دهند و از انجام رفتار فرصت طلبانه نظیر مدیریت سود که به اعتبار شرکت آسیب می‌رساند، خودداری می‌کنند. همچنین، مدیران عامل با تصدی بلندمدت‌تر، تغییرپذیری کمتری در سود گزارش شده، ریسک حسابرسی و مدیریت سود دارند و بنابراین، ریسک حسابرسی آن‌ها کم‌تر است. ضمن اینکه، با توجه به خدمات گسترده مدیران عامل، حسابرسان می‌توانند در طی مصاحبه‌های حسابرسی، درک دقیقی از عملکرد شرکت، ریسک و ساختار گزارشگری مالی شرکت کسب کنند و به همین دلیل، زمان کمتری برای تکمیل کار حسابرسی به علت ریسک حسابرسی پایین‌تر لازم است. بنابراین، مدیران عامل قدرتمند روند جمع‌آوری اطلاعات، دقت در ارزیابی ریسک حسابرسی و صدور اظهارنظر حسابرسی را تسهیل کرده که در این شرایط، حسابرس تلاش کمتری برای تکمیل مراحل حسابرسی می‌کند و در واقع، حق‌الزحمه حسابرسی کمتری نیز دریافت می‌کند. نتیجه به دست آمده در این پژوهش با یافته پژوهش تی (۲۰۱۹) مطابقت و با دیدگاه مطرح شده توسط چن و همکاران^۱ (۲۰۱۵) مغایرت دارد. علاوه بر این، نتیجه بدست آمده با نتیجه پژوهش ملکیان و همکاران (۱۳۹۱) مبنی بر وجود رابطه مثبت بین

1 Chen et al.

قدرت مدیرعامل اندازه‌گیری شده توسط دوگانگی وظیفه مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی و همچنین با نتیجه پژوهش حساس‌یگانه و داداشی (۱۳۸۸) مبنی بر عدم رابطه دوگانگی وظیفه مدیرعامل و حق‌الزحمه مغایرت دارد.

در فرضیه دوم پژوهش نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه حاکی از آن است که مالکیت خانوادگی رابطه منفی بین قدرت مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی را در جهت مثبت تعدیل می‌کند. این یافته مطابق با نظریه همسویی است که بیان می‌کند که در شرکت‌های با مالکیت خانوادگی عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران کمتر می‌شود و کیفیت سود بالاتر می‌رود و حساب‌رسان ریسک کمتری از سوء استفاده مالی و گزارشگری مالی متقلبانه دارند که این امر موجب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌گردد. از این رو، رابطه بین قدرت مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی، تحت تأثیر مالکیت خانوادگی قرار گرفته و تعدیل یا به عبارتی تقویت می‌شود. نتیجه بدست آمده در این پژوهش با یافته تی (۲۰۱۹)، مغایرت دارد.

براساس یافته پژوهش حاضر مبنی بر تأثیر منفی قدرت مدیرعامل بر حق‌الزحمه حسابرسی، پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه در کنار سایر عوامل موجود در انتخاب پرتفوی بهینه سرمایه‌گذاری، قدرت مدیرعامل را به عنوان عامل موثر بر حق‌الزحمه حسابرسی مدنظر قرار دهند. همچنین، با توجه به نتیجه فرضیه دوم پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه به میزان قدرت مدیرعامل و مالکیت خانوادگی به طور همزمان توجه ویژه‌ای داشته باشند و آن‌ها را به عنوان عواملی تأثیرگذار بر حق‌الزحمه حسابرسی در تصمیم‌گیری‌های خود لحاظ کنند. ضمن اینکه، به موسسات حسابرسی پیشنهاد می‌گردد که در ارزیابی خود از سطح ریسک شرکت صاحبکار و برنامه‌ریزی عملیات حسابرسی در کنار سایر عوامل، به میزان قدرت مدیرعامل و مالکیت خانوادگی توجه داشته باشند تا به درک صحیح از وضعیت شرکت‌ها دست یابند. علاوه بر این، به نهادهای نظارتی نظیر سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود، سیاست-

گذاری خود را به گونه‌ای لحاظ کنند که باعث افشای اطلاعات مربوط به حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌ها شود.

در فرآیند انجام پژوهش علمی، مجموعه شرایطی وجود دارد که خارج از کنترل محقق است ولی به طور بالقوه می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تاثیر قرار دهد. یکی از مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر آن است که به دلیل عدم افشای داده‌های مربوط حق‌الزحمه حسابرسی در یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی شرکت بود، به همین جهت محقق در انتخاب نمونه آماری پژوهش دچار محدودیت شد و با توجه به محدود بودن جامعه آماری به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعمیم نتایج به سایر شرکت‌ها باید با احتیاط انجام شود. همچنین، بر اساس الزامات قانونی مقرر در ماده ۱۲۴ قانون تجارت، در بیشتر شرکت‌ها مدیرعامل همزمان رئیس هیئت‌مدیره شرکت نیست که این موضوع ممکن است نتایج پژوهش را تحت تاثیر قرار داده باشد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Roohollah Arab

Mohammad Gholamrezapoor

Narjes Amirnia

Seyed Pouria Kazemi



<http://orcid.org/0000-0704-6639-3295>



<http://orcid.org/0000-0002-4448-5519>



<http://orcid.org/0000-0002-6303-2873>



<http://orcid.org/0000-0002-1702-7512>

منابع

- ابراهیمی کردلر، علی، جوانی قلندری، موسی و گنجی، کیانوش. (۱۳۹۵). تأثیر انحصار یا رقابت صنعت بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۶-۳(۵۲)، ۱۴۹-۱۷۸.
- پورحیدری، امید و فروغی، عارف. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر نفوذ مدیرعامل بر کیفیت افشای اطلاعات حسابداری. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۵(۶۱)، ۲۷-۵۳.
- پورحیدری، امید و گل محمدی شورکی، مجتبی. (۱۳۹۴). سنجش رقابت در بازار خدمات حسابرسی از طریق بررسی چسبندگی حق الزحمه حسابرسی. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲(۴۷)، ۱-۲۱.
- توانگر حمزه کلایی، افسانه و اسکافی اصل، مهدی. (۱۳۹۷). ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت کنترل داخلی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۰(۳۸)، ۱۸۷-۲۰۷.
- حساس یگانه، یحیی و داداشی، ایمان. (۱۳۸۸). تأثیر حاکمیت شرکتی بر تصمیم پذیرش صاحبکار و حق الزحمه حسابرسی. *حسابداری مدیریت*، ۲(۱)، ۱-۱۰.
- حیدری، مهدی، دیدار، حمزه و طاهریان، سکینه. (۱۳۹۷). بررسی نقش تعدیلگر استقلال هیئت مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت با شکاف مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۸(۲)، ۱۱۷-۱۳۴.
- دهقانی، مسعود و کسایی، محمد. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر ساز و کارهای راهبری شرکتی بر تلاش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابرسی*، ۱۹(۷۵)، ۲۰۳-۲۲۸.
- رضائی پسته نوئی، یاسر و غلامرضا پور، محمد. (۱۴۰۰). قدرت مدیرعامل و بهره‌وری نیروی کار شرکت: آزمون تجربی نظریه تورنمنت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، پذیرفته شده و آماده انتشار برای چاپ.
- رضائی پسته نوئی، یاسر و غلامرضا پور، محمد. (۱۳۹۹). واکاوی اجتناب مالیاتی در پرتو ساختار مالکیت با نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی: آزمون نظریه نمایندگی. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۱۲(۴۶)، ۲۲-۴۸.

عرب، روح‌اله، غلامرضا پور، محمد، امیرنیا، نرجس و عمادالدینی، امیر. (۱۳۹۹). بررسی نقش مالکیت دولتی بر رابطه اجتناب مالیاتی و حق الزحمه حسابرسی: آزمون تجربی نظریه جیب بزرگ. *حسابداری مدیریت*، ۱۳(۴۵)، ۱۶۹-۱۸۶.

محمدرضائی، فخرالدین، تنانی، محسن و علی آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). خطای حسابرسی: تأخیر در گزارش حسابرسی و نقش تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۵(۱)، ۵۱-۷۰.

مشایخی، بیتا، حسن زاده، شادی، امینی، یاسین و منتی، وحید. (۱۳۹۵). تأثیر کیفیت حسابرسی داخلی بر حق الزحمه حسابرسی مستقل. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۸(۳۱)، ۴۱-۵۶.

ملکیان، اسفندیار، احمدپور، احمد و طالب تبار آهنگر، میثم. (۱۳۹۱). بررسی رابطه برخی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، حق الزحمه حسابرسی و میزان مالکیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۴(۴)، ۳۷-۵۰.

نکوئی زاده، شکوفه، دستگیر، محسن و علی احمدی، سعید. (۱۳۹۹). تأثیر بحران اقتصادی بر ارتباط بین قدرت مدیرعامل با ارزش و عملکرد مالی؛ نقش ویژگی‌های گزارشگری مالی شرکت. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۷(۶۸)، ۱-۳۱.

Adams, R.B., Almeida, H., & Ferreira, D. (2005). Powerful CEOs and Their Impact on Corporate Performance. *Review of Financial Studies*, 18, 1403-1432. doi.org/10.1093/rfs/hhi030

Anderson, R. C., & Reeb, D. M. (2003). Founding family ownership and firm performance: Evidence from the S&P 500 firm. *Journal of Finance*, 58(3), 1301-1328. doi.org/10.1111/1540-6261.00567

Bae, K., Kang, J., & Kim, J., (2002). Tunneling or value added? Evidence from mergers by Korean business groups. *Journal of Finance*, 57, 2695-2740. doi.org/10.1111/1540-6261.00510

Baker., T. A., Lopez, T. J., Reitenga, A. L., & Ruch, G. W. (2019). The influence of CEO and CFO power on accruals and real earnings management. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 52(1), 325-345. doi.org/10.1007/s11156-018-0711-z

Bebchuk, L. A., & Fried, J. M. (2003). Executive Compensation as an Agency Problem. *Journal of Economic Perspective*, 17(3), 71-92. doi: 10.1257/089533003769204362

Bebchuk, L. A., Cremers, M., & Peyer, U. C. (2011). The CEO Pay Slice. *Journal of Financial Economics*, 102, 199-221. doi.org/10.1016/j.jfineco. 2011.05.006

- Bertrand, M., Mehta, P., & Mullainathan, S. (2002). Ferreting out tunneling: An application to Indian business groups. *Quarterly Journal of Economics*, 117, 121-148. doi.org/10.1162/003355302753399463
- Bhagat, S., & Black, B.S. (2002). The Non-correlation between Board Independence and Longterm Firm Performance. *Journal of Corporation Law*, 27, 231-273. <https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/jcorl27&div=18&id=&page>
- Burns, N., & Kedia, S. (2006). The Impact of Performance Based Compensation on Misreporting. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 35-67. doi.org/10.1016/j.jfineco.2004.12.003
- Chen, Y., Gul, F. A., Veeraraghavan, M., & Zolotoy, L. (2015). Executive Equity Risk-taking Incentives and Audit Pricing. *Accounting Review*, 90(6), 2205-2234. doi.org/10.2308/accr-51046
- Cornett, M. M., Marcus, A. J., & Tehranian, H. (2008). Corporate governance and pay-for-performance: The impact of earnings management. *Journal of financial economics*, 87(2), 357-373. doi.org/10.1016/j.jfineco.2007.03.003
- Custodio, C., Ferreira, M. A., & Matos, P. (2013). Generalists Versus Specialists: Lifetime Work Experience and Chief Executive Officer Pay. *Journal of Financial Economics*, 108(2), 471-492. doi.org/10.1016/j.jfineco.2013.01.001
- Dunn, P. (2004). The impact of insider power on fraudulent financial reporting. *Journal of Management*, 30, 397-412. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1016/j.jm.2003.02.004>
- El Ghouli, S., Guedhami, O., Wang, H., & Kwok, C. (2016). Family control and corporate social responsibility. *Journal of Banking & Finance*, 73, 131-146. doi.org/10.1016/j.jbankfin.2016.08.008
- Fama, E., & Jensen, M. (1983). Separation of Ownership and Control. *Journal of Law and Economics*, 26: 301-325. <https://www.journals.uchicago.edu/doi/abs/10.1086/467037>
- Finkelstein, S. (1992). Power in Top Management Teams: Dimensions, Measurement, and Validation. *Academy of Management Journal*, 37(5), 1079-1108. <https://journals.aom.org/doi/abs/10.5465/256485>
- Gaaya, S., Nadia, L. & Faten, L. (2017). Does family ownership reduce corporate tax avoidance? The moderating effect of audit quality. *Managerial Auditing Journal*, 32(7), 731-744. doi.org/10.1108/MAJ-02-2017-1530
- Galema, R., Lensink, R., & Mersland, R. (2012). Do Powerful CEOs Determine Microfinance Performance?, *Journal of Management Studies*, 49(4), 718-742. doi.org/10.1111/j.1467-6486.2012.01046.x

- Goyal, P., & Park, C.W. (2002). Board Leadership Structure and CEO Turnover. *Journal of Corporate Finance*, 8(1), 49-66. doi.org/10.1016/S0929-1199(01)00028-1
- Graham, J. R., Kim, H., & Leary, M. (2017). CEO Power and Board Dynamics. *Working paper, Duke University*. <https://www.lebow.drexel.edu/sites/default/files/1523767562-kim-graham-learyceo-power-and-board-dynamics.pdf>
- Gul, F. A., Cheng, L. T., & Leung, T. Y. (2011). Perks and the informativeness of stock prices in the Chinese market. *Journal of Corporate Finance*, 17(5), 1410-1429. doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2011.07.005
- Han, S., Nanda, V.K. & Silveri, S.D. (2016). CEO Power and Firm Performance Under Pressure. *Financial Management*, Vol. 45 No. 2, pp. 369-400. doi.org/10.1111/fima.12127
- Hayward, M., & Hambrick, D. (1997). Explaining the Premiums Paid for Large Acquisitions: Evidence of CEO Hubris. *Administrative Science Quarterly*, 42: 103-127. doi.org/10.2307/2393810
- Hermalin, B. E., & Weisbach, M. S. (2003). "Board of Directors as an Endogenously Determined Institution: A Survey of the Economic Literature, Center for Responsible Business". *Working Paper Series, Paper 3*. <https://www.nber.org/papers/w8161>
- Ho, J. L., & Kang, F. (2013). Auditor Choice and Audit Fees in Family Firms: Evidence from the S&P 1500. *A Journal of Practice and Theory*, 32(4), 71-93. doi.org/10.2308/ajpt-50533
- Jensen, M., & Meckling, W. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, 3(1), 305-360. doi.org/10.1016/0304-405X(76)90026-X
- Keltner, D., Gruenfeld, D. H., & Anderson, C. (2003). Power, approach, and inhibition. *Psychological Review*, 110(2), 265-284. doi.org/10.1037/0033-295X.110.2.265
- Khan, A., & Subramaniam, N. (2012). Family firm, audit fee and auditor choice: Australian evidence. *Financial Markets & Corporate Governance Conference* Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1985776>
- Koo, K., & Kim, J. (2019). CEO power and firm opacity. *Applied Economics Letters, Taylor & Francis Journals*, 26(10), 791-794. doi.org/10.1080/13504851.2018.1497841
- Larcker, D. F., & Tayan, B. (2012). Is a powerful CEO good or bad for shareholders?. *Stanford Closer Look Series*, 1-5. doi.org/10.2139/ssrn.2175191
- Lubatkin, M. H., Schulze, W. S., Ling, Y., & Dino, R. N. (2005). The Effects of Parental Altruism on the Governance of Family-managed

- Firms. *Journal of Organizational Behaviour*, 26(3), 313–330. doi.org/10.1002/job.307
- Minichilli, A., Corbetta, G., & MacMillan, I. C. (2010). Top Management Teams in Family-Controlled Companies: 'Familianness', 'Faultlines', and their Impact on firm Performance. *Journal of Management Studies*, 47(2), 205–222. doi.org/10.1111/j.1467-6486.2009.00888.x
- MohammadRezaei, F., Mohd-Saleh, N., & Ahmed, K. (2018). Audit Firm Ranking, Audit Quality and Audit Fees: Examining Conflicting Price Discrimination Views. *The International Journal of Accounting*, Elsevier, 53(4), 295-313. doi.org/10.1016/j.intacc.2018.11.003
- Morse, A., Nanda, V., & Seru, A. (2011). Are Incentive Contracts Rigged by Powerful CEOs?, *Journal of Finance*, 66, 1779–1821. doi.org/10.1111/j.1540-6261.2011.01687.x
- Prencipe, A., Bar-Yosef, S., Mazzola, P., & Pozza, L. (2011). Income Smoothing in Family-Controlled Companies: Evidence from Italy. *Corporate Governance International Review*, 19(6), 529–546. doi.org/10.1111/j.1467-8683.2011.00856.x
- Ryan, H.E., & Wiggins, R.A. (2004). Who is in Whose Pocket? Director Compensation, Board Independence, and Barriers to Effective Monitoring. *Journal of Financial Economics*, 73, 497–524. doi.org/10.1016/j.jfineco.2003.11.002
- Sheikh, S. (2018). The Impact of Market Competition on the Relation between CEO Power and Firm Innovation. *Journal of Multinational Financial Management*, 44, 36-50. doi.org/10.1016/j.mulfin.2018.01.003
- Simsek, Z. (2007). CEO Tenure and Organizational Performance. *Strategic Management Journal*, 28, 653-662. doi.org/10.1002/smj.599
- Simunic, D. A. (1980). The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of accounting research*, 161-190. doi.org/10.2307/2490397
- Srinidhi, B. N., He, S., & Firth, M. (2014). The Effect of Corporate Governance on Specialist Auditor Choice and Audit Fees in the U.S. Family Firms. *The Accounting Review*, 89(6), 2297–2329. doi.org/10.2308/accr-50840
- Tang, J., Crossan, M., & Rowe, W.G. (2011). Dominant CEO, Deviant Strategy, and Extreme Performance: The Moderating Role of a Powerful Board. *Journal of Management Studies*, 48, 1479–1503. doi.org/10.1111/j.1467-6486.2010.00985.x
- Tee, C. M. (2019). CEO Power and Audit Fees: Evidence from Malaysia. *International Journal of Auditing*, 23(3), 365-386. doi.org/10.1111/ijau.12166

- Wang, D. (2006). Founding Family Ownership and Earnings Quality. *Journal of Accounting Research*, 44(3), 619-656. doi.org/10.1111/j.1475-679X.2006.00213.x
- Wang, G., Holmes, M., Oh, S., & Zhu, W. (2016). Do CEOs Matter to Firm Strategic Actions and Firm Performance? A meta-analytic Investigation Based on Upper Echelons Theory. *Personnel Psychology*, 69(4), 775-862. doi.org/10.1111/peps.12140
- Yang, L. M. (2010). The Impact of Controlling Families and Family CEOs on Earnings Management. *Family Business Review*, 23(3), 266-279. doi.org/10.1177/0894486510374231
- Yu, F., & Yu, X. (2011). Corporate lobbying and fraud detection. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 46(6), 1865-1891. <https://www.jstor.org/stable/41409670?seq=1>
- Arab, R., Gholamrezapoor, M., Amirnia, & N., Emadodini, A. (2020). Investigating the role of state ownership on the relationship tax avoidance and audit fees: The empirical test of the Deep Pocket Theory. *Management Accounting*, 13(45), 169-186. [In Persian]. https://jma.srbiau.ac.ir/article_15874.html
- Dehghani, M., & Kassiani, M. (2019). Study of the effect of corporate governance mechanisms on the audit efforts of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Auditing Knowledge*, 19 (75), 203-228. [In Persian]. <https://danesh.dmk.ir/article-1-2267-fa.html>
- Ebrahimi Kordlar, A., Javani Ghalandari, M., & Ganji, K. (2016). the Impact of Monopoly or Industry Competition on Pricing of External Audit Services. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 13(52), 149-178. [In Persian]. doi: 10.22054/qjma.2017.7740
- Hasas Yeganeh, Y., & Dadashi, I. (2009). The impact of corporate governance on Client acceptance decisions and audit fees. *Management Accounting*, 2(1), 1-10. [In Persian]. https://jma.srbiau.ac.ir/article_4903.html?lang=fa
- Heidari, M., didar, H., & taheerian, S. (2018). Board Independence and the Relation between Ownership Structure and the Tax Gap. *Empirical Research in Accounting*, 8(2), 117-134. [In Persian]. doi: 10.22051/jera.2017.10279.1301
- Malekian, E., Ahmadpour, A., & Talebtabar Ahangar, M. (2012). The Relationship between Some Corporate Governance, Audit Fees and Meter Ownership of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 4(4), 37-50. [In Persian]. https://far.ui.ac.ir/article_16963.html
- Mashayekhi, Bitā; Hassanzadeh, Shadi; Amini, Yasin; Manti, Vahid. (2016). "The Impact of Internal Audit Quality on Independent Audit Fee".

- Financial Accounting and Auditing Research, 8 (31), 41-56. [In Persian]. http://faar.iauctb.ac.ir/article_526865.html
- Mohammadrezaei, F., Tanani, M., Aliabadi, A. (2018). Audit Failure: Audit Report Lag and Moderating Role of Family Ownership. *Accounting and Auditing Review*, 25(1), 51-70. [In Persian]. . doi: 10.22059/acctgrev.2018.252507.1007839
- Nekouezadeh S, Dastgir M, Aliahmadi S. (2020). The Impact of the Economic Crisis on the Relationship between the CEO Power on Firm Value and the Financial Performance; The Role of Company's Behavioral Characteristics. *journal of Value & Behavioral Accounting*. 2020; 5 (9) :153-188. [In Persian]. <https://aapc.khu.ac.ir/article-1-642-fa.html>
- Pourheidari, O., Forughi, A. (2019). Effect of management influence on disclosure quality of accounting information. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 15(61), 27-53. [In Persian].10.22054/qjma.2019.38013.1928
- Pourheidari, O., Golmohammadi Shuraki, M. (2015). Measuring the Competition in Audit services Market Through Examination of Audit Fee Stickiness. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 12(47), 1-21. [In Persian]. https://qjma.atu.ac.ir/article_2366.html
- Rezaei pitenoei (Ph.d), Y., Gholamrezapoor, M. (2021). CEO Power and Labor Productivity: An Experimental Test of Tournament Theory. *Accounting and Auditing Review*. [In Persian]. doi: 10.22059/acctgrev.2021.313035.1008461
- Rezaei Pitenoei Y, Gholamrezapoor M. (2020). Analysis of tax avoidance in the light of the ownership structure with the moderating role of audit quality: Agency theory test. *quarterly financial accounting journal*, 12 (46) :48-22. [In Persian]. . https://qfaj.ir/browse.php?a_code=A-10-927-2&sid=1&slc_lang=fa
- Tavangar Hamzeh Kalaei, A., & Scafì Asl, M. (2017). Relationship between CEO Power, Audit Committee Characteristics, and Internal Control Quality. *Financial Accounting and Auditing Resea207*. [In Persian]. http://faar.iauctb.ac.ir/article_543503.html

استناد به این مقاله: عرب، روح اله (۱۴۰۰). قدرت مدیرعامل، مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی:

واکاوی نظریه‌های همسویی و سنگربندی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، (۱۸) ۷۰ (۱۹۳-۱۶۷)

doi: 10.22054/qjma.2021.52432.2154



Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.